

¹And the apostles and brethren that were in Judaea heard that the Gentiles had also received the word of God.²And when Peter was come up to Jerusalem, they that were of the circumcision contended with him,³Saying, Thou wentest in to men uncircumcised, and didst eat with them.⁴But Peter rehearsed the matter from the beginning, and expounded it by order unto them, saying,⁵I was in the city of Joppa praying: and in a trance I saw a vision, A certain vessel descend, as it had been a great sheet, let down from heaven by four corners; and it came even to me:⁶Upon the which when I had fastened mine eyes, I considered, and saw fourfooted beasts of the earth, and wild beasts, and creeping things, and fowls of the air.⁷And I heard a voice saying unto me, Arise, Peter; slay and eat.⁸But I said, Not so, Lord: for nothing common or unclean hath at any time entered into my mouth.⁹But the voice answered me again from heaven, What God hath cleansed, that call not thou common.¹⁰And this was done three times: and all were drawn up again into heaven.¹¹And, behold, immediately there were three men already come unto the house where I was, sent from Caesarea unto me.¹²And the spirit bade me go with them, nothing doubting. Moreover these six brethren accompanied me, and we entered into the man's house:¹³And he shewed us how he had seen an angel in his house, which stood and said unto him, Send men to Joppa, and call for Simon, whose surname is Peter;¹⁴Who shall tell thee words, whereby thou and all thy house shall be saved.¹⁵And

گزارش پطرس به کلیسای اورشلیم

¹پس رسولان و برادرانی که در یهودیه بودند، شنیدند که امت‌ها نیز کلام خدا را پذیرفته‌اند.²و چون پطرس به اورشلیم آمد، اهل ختنه با وی معارضه کرده،³گفتند: که با مردم نامختون برآمده، با ایشان غذا خوردی.⁴پطرس از اوّل مفضلاً بدیشان بیان کرده، گفت:⁵من در شهر یافا دعا می‌کردم که ناگاه در عالم رؤیا طرفی را دیدم که نازل می‌شود مثل چادری بزرگ به چهار گوشه از آسمان آویخته که بر من می‌رسد.⁶چون بر آن نیک نگریسته، تأمل کردم، دوابّ زمین و وحوش و حشرات و مرغان هوا را دیدم.⁷و آوازی را شنیدم که به من می‌گوید: ای پطرس، برخاسته، ذبح کن و بخور.⁸گفتم: حاشا، خداوند! زیرا هرگز چیزی حرام یا ناپاک به دهانم نرفته است.⁹بار دیگر خطاب از آسمان در رسید که: آنچه خدا پاک نموده، تو حرام مخوان.¹⁰این سه گزّت واقع شد که همه باز به سوی آسمان بالا برده شد.¹¹و اینک، در همان ساعت سه مرد از قیصریه نزد من فرستاده شده، به خانه‌ای که در آن بودم، رسیدند.¹²و روح مرا گفت که، با ایشان بدون شک برو. و این شش برادر نیز همراه من آمدند تا به خانه آن شخص داخل شدیم.¹³و ما را آگاهانید که چطور فرشته‌ای را در خانه خود دید که ایستاده به وی گفت: کسان به یافا بفرست و شمعون معروف به پطرس را بطلب،¹⁴که با تو سخنانی خواهد گفت، که بدانها تو و تمامی اهل خانه تو نجات خواهید یافت.¹⁵و چون شروع به سخن گفتن می‌کردم، روح‌القدس بر ایشان نازل شد، همچنانکه نخست بر ما.¹⁶آنگاه بخاطر آوردم سخن خداوند را که گفت: یحیی به آب تعمید داد، لیکن شما به روح‌القدس تعمید خواهید یافت.¹⁷پس چون خدا همان عطا را بدیشان بخشید، چنانکه به ما محض ایمان آوردن به عیسی مسیح خداوند، پس من که باشم که؟ بتوانم خدا را ممانعت نمایم؟¹⁸چون این را شنیدند، ساکت شدند و خدا را تمجیدکنان گفتند: فی‌الحقیقت، خدا به امت‌ها نیز توبه حیات بخش را عطا کرده است.

کلیسای انطاکیه

¹⁹و اما آنانی که به سبب ادّیتی که در مقدمه استیفاء

as I began to speak, the Holy Ghost fell on them, as on us at the beginning.¹⁶ Then remembered I the word of the Lord, how that he said, John indeed baptized with water; but ye shall be baptized with the Holy Ghost.¹⁷ Forasmuch then as God gave them the like gift as he did unto us, who believed on the Lord Jesus Christ; what was I, that I could withstand God?¹⁸ When they heard these things, they held their peace, and glorified God, saying, Then hath God also to the Gentiles granted repentance unto life.¹⁹ Now they which were scattered abroad upon the persecution that arose about Stephen travelled as far as Phenice, and Cyprus, and Antioch, preaching the word to none but unto the Jews only.²⁰ And some of them were men of Cyprus and Cyrene, which, when they were come to Antioch, spake unto the Grecians, preaching the Lord Jesus.²¹ And the hand of the Lord was with them: and a great number believed, and turned unto the Lord.²² Then tidings of these things came unto the ears of the church which was in Jerusalem: and they sent forth Barnabas, that he should go as far as Antioch.²³ Who, when he came, and had seen the grace of God, was glad, and exhorted them all, that with purpose of heart they would cleave unto the Lord.²⁴ For he was a good man, and full of the Holy Ghost and of faith: and much people was added unto the Lord.²⁵ Then departed Barnabas to Tarsus, for to seek Saul:²⁶ And when he had found him, he brought him unto Antioch. And it came to pass, that a whole year they assembled themselves with the church, and taught

برایا شد متفرق شدند، تا فینیقی و قبرس و آنطاکیه می‌گشتند و به هیچ‌کس به غیر از یهود و بس کلام را نگفتند.²⁰ لیکن بعضی از ایشان که از اهل قبرس و قیروان بودند، چون به آنطاکیه رسیدند با یونانیان نیز تکلم کردند و به خداوند عیسی بشارت می‌دادند،²¹ و دست خداوند با ایشان می‌بود و جمعی کثیر ایمان آورده، به سوی خداوند بازگشت کردند.

²² اما چون خبر ایشان به سمع کلیسای اورشلیم رسید، برنابا را به آنطاکیه فرستادند²³ و چون رسید و فیض خدا را دید، شادخاطر شده، همه را نصیحت نمود که از تصمیم قلب به خداوند بپیوندند.²⁴ زیرا که مردی صالح و پر از روح‌القدس و ایمان بود و گروهی بسیار به خداوند ایمان آوردند.

²⁵ و برنابا به طرسوس برای طلب شاول رفت و چون او را یافت به آنطاکیه آورد.²⁶ و ایشان سالی تمام در کلیسا جمع می‌شدند و خلقی بسیار را تعلیم می‌دادند و شاگردان نخست در انطاکیه به مسیحی مسمی شدند.

²⁷ و در آن ایام انبیایی چند از اورشلیم به آنطاکیه آمدند،²⁸ که یکی از ایشان اغابوس نام برخاسته، به روح اشاره کرد که قحطی شدید در تمامی ربع مسکون خواهد شد و آن در ایام گلودیوس قیصر پدید آمد.²⁹ و شاگردان مصمم آن شدند که هر یک بر حسب مقدور خود، اعانتی برای برادران ساکن یهودیه بفرستند.³⁰ پس چنین کردند و آن را به دست برنابا و شاول نزد کشیشان روانه نمودند.

much people. And the disciples were called Christians first in Antioch.²⁷ And in these days came prophets from Jerusalem unto Antioch.²⁸ And there stood up one of them named Agabus, and signified by the spirit that there should be great dearth throughout all the world: which came to pass in the days of Claudius Caesar.²⁹ Then the disciples, every man according to his ability, determined to send relief unto the brethren which dwelt in Judaea:³⁰ Which also they did, and sent it to the elders by the hands of Barnabas and Saul.